

مطالعه جامعه‌شناختی مسئله‌مندی گفتگو در خانواده

(مورد مطالعه شهروندان منطقه ۳ و ۱۵ شهر تهران)*

شهلا قنبرلو^۱، عالیه شکرپیگی^۲، محمد ثقفی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

چکیده

ریشه بسیاری از مسائل و آسیب‌های نهاد خانواده در ضعف یا فقدان مهارت‌های ارتباطی و گفتگویی است. هدف این تحقیق مطالعه جامعه‌شناختی مسئله‌مندی گفتگو در خانواده است. این تحقیق از نوع کمی است و با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری شهروندان مناطق ۱۵ و ۳ شهر تهران و نمونه آماری هم ۳۸۴ نفر انتخاب شدند و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که میزان گفتگو در خانواده در حد متوسط (۴۰/۴) است. بین موانع شخصیتی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با نوع گفتگو در خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در معادلات ساختاری میزان رابطه هر یک از شاخص‌های مسئله‌مندی و گفتگو در خانواده به ترتیب عبارت‌اند از: عوامل شخصی (۰/۴۲)، عوامل خانوادگی (۰/۵۴)، عوامل اجتماعی (۰/۵۸)، عوامل فرهنگی (۰/۶۲) و عوامل اقتصادی (۰/۵۵).

کلیدواژه‌ها: مسئله‌مندی، موانع گفتگو، خانواده و صمیمیت.

Doi: 10.22034/JSI.2025.2046551.1758

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران،

shahlaghanbarloo@yahoo.com

تهران-ایران؛

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران،

alieh.shekarbeygi@iau.ac.ir

تهران-ایران. (نویسنده‌ی مسئول).

۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران،

تهران-ایران..

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۰۹-۱۲۹

مقدمه و بیان مساله

گفتگو و برهمکنش در زندگی خانوادگی نقش بسیار موثری در شناخت استعداد و شکوفایی اعضای آن و حل مشکلات زندگی در کانون خانواده دارد. اگر به هر دلیلی چنین ارتباطی در خانواده شکل نگیرد، قطعاً روند طبیعی رسیدن به هدف‌های متعالی در زندگی دچار اختلال خواهد شد. بعد از انقلاب صنعتی، بحث اوقات فراغت در کشورهای صنعتی مطرح شد، تا خانواده‌ها بعد از زمان کار، فرصت تفریح، گردش، برهمکنش و گفتگو و پرداختن به امور زندگی شخصی خود با دیگر اعضای خانواده را داشته باشند زیرا به نظر می‌رسید که هر روزه فاصله بین اعضای خانواده بیشتر شده و به مرور وضعیتی پیش خواهد آمد که اعضای خانواده احساس می‌کنند حرف یکدیگر را متوجه نمی‌شوند، چون برهمکنش مناسبی بین آن‌ها وجود ندارد (زانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). در جهان صنعتی علاوه بر پدر، دیگر اعضای بزرگسال خانواده نیز مشغول به کار می‌شوند. این وضعیت ناخودگاه استرس و فشار روانی را بر خانواده تحمیل می‌کند و آنها را از کنار هم بودن و گفتگو با هم دور می‌کند (رایچوا و ولینوا^۲، ۲۰۱۹). تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط خانوادگی از جمله ارتباط همسران و ارتباط والدین با فرزندان شان وجود دارد. تغییرات زیادی در روابط عاطفی خانوادگی تحت تاثیر شبکه‌های اجتماعی در ارزش‌ها، ساختار، سبک زندگی و نگرش‌های افراد و خانواده‌ها ایجاد شده است (موتاتیانو^۳، ۲۰۱۵). وقتی درصد زیادی از مردم در جامعه گرفتار تامین معیشت خود و نیازهای اولیه هستند و مدام با نگرانی‌ها و استرس‌های ناشی از آن مجبورند دست و پنجه نرم کنند، حوصله و فرصت برهمکنش و گفتگو بین اعضای خانواده به حداقل خواهد رسید و به همان میزان ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در خانواده و همچنین جامعه افزایش خواهد یافت. نقش اساسی خانواده در تربیت اولیه فرزندان و طبیعتاً آماده سازی ایشان برای ورود به جامعه، بر کسی پوشیده نیست (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۶). خانواده بستر ارتباط است و گفتگو در خانواده زمینه اصلی ارتباط است. قطع ارتباط کلامی در خانواده یا کم شدن آن رابطه معناداری با افزایش ناراحتی‌های روانی در بین اعضای خانواده دارد. روابط مادر و پدر به عنوان یکی از عناصر کلیدی خرده نظام ازدواج، نقش اساسی در ارتقای شایستگی عاطفی اجتماعی دارد (تانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). نیاز به

1 Zhang

2 Raycheva & Velinova

3 Motataianu

4 Tang

ارتباط از جمله نیازهای اساسی انسان است. در ارتباطات برخی افراد بسیار موفق هستند و دیگران هم دوست دارند با آنها ارتباط برقرار کنند (فرریا^۱، ۲۰۱۵). برطبق مطالعات روانشناسی خانواده چنین افرادی به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و احساسات خود را به راحتی بیان می‌کنند و رفتارهای همراه با احترام دارند (زارع، ۱۴۰۳). گفت‌وگو مفهومی جامعه‌شناختی است که در همه برهمکنش‌های اجتماعی به ویژه در بستر خانواده به مثابه یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در طول تاریخ، از اهمیت زیادی برخوردار است (هاتفی راد، ۱۳۹۸). گفتگو به عنوان یکی از انواع ارتباطات میان‌فردی دوطرفه و برابرفرادی که با توجه به حقوق و نظرات یکدیگر برای دستیابی به توافق تلاش می‌کنند، به عنوان متغیر میانجی می‌تواند بر سلامت افراد موثر باشد (وود^۲، ۲۰۱۶). به زعم برخی محققان ارتباطات کلامی میان ایرانیان چندان مبتنی بر گفتگو نیست و این عدم شکل‌گیری گفتگو با مقوله‌های فرهنگی و ساختاری در ایران رابطه تنگاتنگی دارد (رنجبر جورجاده، ۱۴۰۰). در کشورهایی نظیر ایران که آمیزهای درهم تنیده از ارزش‌های دینی و ملی وجود دارد، تعیین معیارهای متناسب با بافت فرهنگی و نظام ارزشی بومی برای سنجش کیفیت زندگی خانوادگی اهمیت دارد. فرهنگ جامعه ایرانی بیشتر مونوگوتیک است به طوری که شکاف جنسیتی نیز در این زمینه پررنگ است.

ریشه بسیاری از مسائل و آسیب‌های نهاد خانواده در ضعف یا فقدان مهارت‌های ارتباطی و گفتگویی است. زمانی که رضایت زناشویی بیشتر باشد در محیط خانواده گفتگویی مثبت و تاثیرگذاری پدید می‌آید، که همراه با ارتباط عاطفی زوجین خواهد بود (یوچن^۳، ۲۰۲۴). والدین باید به اهمیت گفتگوی خود در پرورش شایستگی عاطفی اجتماعی فرزندان پی ببرند. ضمناً والدین باید عواطف را به صورت منطقی در خانواده ابراز کنند. آنها باید از فرزندان خود حمایت و همراهی مؤثری برای ایجاد وابستگی باکیفیت والد-فرزندی داشته باشند که در نهایت بر بهبود شایستگی عاطفی اجتماعی تأثیر می‌گذارد (تانگ و همکاران، ۲۰۲۳). برطبق گزارش مرکز آمار ایران نتایج آمارگیری از فرهنگ رفتاری خانوار، سرانه گفتگو در خانواده‌های ایرانی تقریباً ۲۵ دقیقه در روز است که بسیار کم و برای بنیان خانواده تهدید کننده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). همکاران، همسالان، تلویزیون و اینترنت به سرعت فرصت گفتگو در بین اعضای خانواده را از آنها گرفته است و این مشکل روز به روز در حال افزایش است. از دیدگاه جامعه‌شناسان، زبان، مهم

1 Ferreira

2 Wood

3 Yuchen

ترین و اساسی‌ترین نماد فرهنگی جامعه است.^۱ ارتباط کلامی نقش بسیار موثری در شناخت توانمندی‌ها و شکوفایی استعدادهاى افراد خانواده دارد. گفتگو موثرترین وسیله برای رفع سوء تفاهم‌ها و ناملايمات است. با این وجود به علت‌های مختلف از جمله کمبود آموزش کافی در این زمینه و استفاده‌ی بیش از حد از فضای مجازی و تلویزیون گفتگو بین اعضای خانواده خیلی کم رنگ شده است (حسینی مجرد، ۱۳۹۷). بنابراین گفتگو عنصری حیاتی در استحکام خانواده است، ارتباط کلامی و فهم متقابل با یکی از کلی‌ترین پدیده‌های اجتماعی یعنی «فرهنگ» مرتبط است. تقویت «فرهنگ گفتگو در خانواده» مستلزم شناخت اصول، آداب، آسیب‌ها و موانع گفتگوست (هادی، ۱۳۹۵: ۶). هنگامی که از کودکی با فرزندان کنش و گفتگوی عاطفی پایدار برقرار شود، در جوانی روابط محبت‌آمیز پایدار و حمایتی ایجاد خواهد شد که برای گذراندن موفقیت‌آمیز بزرگسالی ضروری است (بال^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). گفتگو از طریق جریان و انتقال ایده و معنا در درون یا بین افراد و در میان جمع در مورد موضوع مشترک به منظور مفاهمه و روشن‌گری درباره این موضوع در فضای مشترک رابطه انجام می‌شود، گرچه این فرآیند در خانواده سالم^۲ بوجود می‌آید و کودک در این خانواده به کمال خود می‌رسد؛ اما با توجه به مساله پیچیده زندگی خانوادگی و اجتماعی و موضوع‌هایی که اعضای خانواده با آن درگیر هستند، متفاوت است. از این رو، این تحقیق در دو منطقه ۳ و ۱۵ تهران انجام شده است که از نظر ترکیب طبقاتی ساکنان وضعیت متفاوتی دارند و امکان مقایسه را از حیث موضوع این تحقیق فراهم می‌آورد. مهمترین پرسش‌های این پژوهش این است که وضعیت گفتگو در خانواده ایرانی چگونه است؟ و خانواده برای گفتگو با چه مسائلی مواجه است؟

پیشینه تجربی تحقیق

پژوهش درباره مسئله مندی گفتگو در خانواده به چند دهه اخیر مربوط می‌شود که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: زارع (۱۴۰۳) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه میان مهارت‌های گفتگو و سبک‌های ارتباطی در خانواده با بهبود تربیت فرزندان»، انجام داده است. یافته‌ها بازگوی آن است که رابطه مثبت و معناداری میان مهارت‌های گفتگو در خانواده با بهبود تربیت فرزندان دانش آموز وجود داشته و رابطه مثبت و معناداری میان سبک‌های ارتباطی در خانواده با بهبود

1 Ball

2 new clear family

تربیت فرزندان دانش آموز وجود دارد. شهسواریان و مزیدی شرف‌آبادی (۱۴۰۲)، تحقیقی با عنوان «ابداع الگوی ارتباطی با خلق گفتگوهای ابتکاری والدین در خانواده»، انجام داده‌اند. یافته‌ها از این قرار اند: ۲۱ عامل نظیر: احترام، درک متقابل اعضا، تخصیص وضوح، آگاهی و اجرای مناسب نقش‌ها، روابط کلامی و غیرکلامی مستقیم، شناخت و تامین نیازها، صمیمت اعضا، ارزش‌های دینی، باورهای منطقی، حل مسئله، فرزند پروری مناسب، مشورت بین اعضا، و ... به عنوان ابعاد الگو شناسایی شدند. در رتبه‌بندی دو عامل شناخت و تامین نیازها و صمیمت بین اعضا، بالاترین رتبه‌ها را در مدل پژوهش داشتند. ساعی (۱۴۰۱)، تحقیقی با عنوان «تحلیل موانع و بازدارنده‌های گفتگوی بین نسلی در خانواده»، انجام داده است. نتایج نشان داد که مهم ترین موانع درون خانوادگی گفتگوی بین نسلی «مسئولیت‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی خانواده»، «کاهش فراغت جمعی و فضای مشترک خانواده»، «از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین»، «نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان» و «فقدان شناخت و مهارت ارتباطات محور بین والدین و فرزندان» هستند. محمدی (۱۳۹۹)، تحقیقی با عنوان «گفتگو و مشارکت خانواده در تعالی آموزش و پرورش و کاهش آسیب‌های اجتماعی»، انجام داده است. نتایج نشان داد که می توان با تبیین جایگاه و نقش گفتگو و مشارکت خانواده در آموزش و پرورش، آسیب‌های نوپدید اجتماعی را شناسایی، مهار و کاهش داد.

ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، تحقیقی با عنوان «تسهیل‌کننده‌ها و موانع گفتگوی والدین و فرزندان» انجام داده‌اند. نتیجه اینکه والدین و متخصصان باید از افسانه‌های مربوط به محافظت از فرزندان اجتناب کنند و گفتگو و ارتباطات بیشتری با فرزندان داشته باشند و به خواسته‌های فرزندان احترام بگذارند. تینگ^۲ و همکاران (۲۰۲۴)، تحقیقی با عنوان «تاثیر گفتگوی ناکارآمد والدین-کودک بر پریشانی والدین و مشکلات و توانمندی‌های اجتماعی-عاطفی» انجام داده‌اند. این تحقیق نتیجه می‌گیرد که تاثیر گفتگوی والدین و فرزندان نقش مهمی در میانجیگری رابطه بین پریشانی والدین و مشکلات و شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی فرزندان دارد. یوچن^۳ و همکاران (۲۰۲۴)، تحقیقی با عنوان «نقش گفتگوی عاطفی مادر در رضایت زناشویی: تعدیل شده توسط وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده» انجام داده‌اند. در مجموع ۵۴۲ نوجوان چینی و مادرانشان از پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت پرسشنامه را تکمیل کردند. داده‌ها نشان داد

1 Zhang

2 Ting

3 Yuchen

که رضایت زناشویی بالاتر مادر با گفتگوی هیجانی مثبت بیشتر و ابراز هیجان منفی کمتر ارتباط دارد. هر دو نوع گفتگوی عاطفی مادر با علائم افسردگی در نوجوانان همراه بود. علاوه بر این، گفتگوی هیجانی مثبت و منفی مادری رابطه بین رضایت زناشویی مادر و علائم افسردگی نوجوانان را واسطه می‌کند. به طور قابل توجهی، نقش میانجی گفتگوی منفی مادری تنها زمانی مشهود بود که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده متوسط به بالا بود. تانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، تحقیقی با عنوان «تأثیر گفتگو مادر و پدر بر شایستگی عاطفی اجتماعی فرزندان: مدل واسطه‌ای زنجیره‌ای گفتگوی عاطفی والدین و دلبستگی والدین به فرزند» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت چشمگیری بین گفتگوی مادر و پدر و بهبود شایستگی اجتماعی - عاطفی فرزندان وجود دارد. بال^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، تحقیقی با عنوان «عاملیت، حمایت واقعی و گفتگوی عاطفی: تجربیاتی که پایداری رابطه را در مراقبت‌های پرورشی ارتقا می‌دهند» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط واضحی بین کیفیت روابط در دوران کودکی، از جمله روابطی که برطبق تعریف موقتی هستند، و توانایی مشارکت‌کنندگان برای دستیابی به پایداری رابطه وجود دارد. شرکت‌کنندگانی که احساس قدرت می‌کردند و حمایت و ارتباط واقعی را در حین رشد در خانه تجربه کرده‌اند، روابط گسترده‌تر و از نظر عاطفی معنادارتری را در بزرگسالی توصیف کرده‌اند که ثبات و حمایت را فراهم می‌سازد. با افزایش حس عاملیت در جوانان، آسیب‌های روانی کمتر و گفتگو و تعامل آنان با خویشاوندان، دوستان و مربیان، بهتر می‌شود. موتاتینیو^۳ (۲۰۱۵)، تحقیقی با عنوان «گفتگوی والد و فرزند، مدلی ممکن برای مبارزه با دلبستگی ناامن فرزند» انجام داده‌اند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که والدین، از طریق گفتگو در واقع آموزش مادام‌العمر، را به بچه‌ها می‌دهند و برای دانستن اهمیت و دلبستگی مورد حمایت قرار می‌گیرند. این مطالعه روش‌هایی را برای آموزش والدین برای مقابله با مشکلات دلبستگی ارائه می‌کند.

تا جایی که جستجو شد تحقیقی که مسئله مندی گفتگو در خانواده را بررسی کرده باشد یافت نشد؛ لذا در این تحقیق سعی می‌شود مسئله مندی گفتگو در خانواده مورد بررسی علمی قرار گیرد. در پژوهش‌های اشاره شده در بخش پیشینه خارجی می‌توان گفت هر کدام از آنها ابعاد و شاخص‌های متغیرهای گفتگو در خانواده را بررسی کرده‌اند. با توجه به تفاوت‌های آشکاری که در جامعه ایران در مقایسه با کشورهای دیگر که تحقیقات در آن انجام شده است، وجود

1 Tang

2 Ball

3 Motataianu

دارد؛ لذا در این تحقیق بررسی و سنجش متغیرهای اصلی تحقیق در مصاحبه و پرسشنامه بومی بوده و با توجه به فضا و شرایط کشور ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی و چارچوب مفهومی تحقیق

رنه کونینگ، از جامعه‌شناسان خانواده، مهم‌ترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند، تعریف می‌کند. او معتقد است در دوران کنونی کارکردهای ثانویه خانواده، شامل کارکردهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، نگهداری از سالخورده‌گان و گذران اوقات فراغت، به سازمان‌های دولتی واگذار شده و خانواده قادر شده به کارکرد پایه‌ای خود، یعنی رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودکان، بپردازد. کونینگ در عین حال برای واگذاری کارکردهای خانواده به جامعه و جدا شدن خانواده از روابط و مناسبات کل جامعه از اصطلاح ناهماهنگی استفاده می‌کند و معتقد است خانواده بیش از حد به جامعه وابسته شده و از آن‌جا که این کارکردها برای خانواده اساسی بوده‌اند، خانواده بدون آنان قادر به ادامه حیات نیست. ناهماهنگی از طرفی باعث محدود شدن دایره خانواده به دایره بسته زن و شوهر می‌شود و از طرف دیگر باعث آسیب‌پذیری اساسی خانواده به سبب از دست رفتن کارکردها می‌شود و به این ترتیب کارکرد اختصاصی خانواده با توجه به صمیمیت و علائق اعضا، ساختن شخصیت فرهنگی و اجتماعی کودکان است که این کارکرد واقعی خانواده، سال‌های طولانی زیر پوشش نیازهای ثانویه قرار داشت و تنها پس از پیدایش جوامع مدرن، خانواده توانسته از زیر بار کلیه کارکردهای ثانویه رها شود و به وظیفه اصلی خود برسد (اعزازی، ۱۳۸۷).

گیدنز سیر تحول خانواده و تغییرات آن را با عنوان "تغییر شکل صمیمیت" بررسی کرده و به الگوهای اصلی صورت بندی مفهوم صمیمیت، عشق و جنسیت می‌پردازد. از دید گیدنز، تمرکز کنش متقابل گرم و صمیمانه در دایره تنگ خانواده هسته‌ای، زمینه ساز پیوند خوردن عشق و ازدواج بوده است که در عصر مدرن از سویی بدلیل کوچک بودن اندازه خانواده هسته‌ای و پیدایش روشهای کنترل جمعیت، بصورت مهم‌ترین شریک زندگی بازتعریف شد. به این شکل همزمان با شکل‌گیری فضاهای خصوصی، روابط گرم و عاطفی به امری خصوصی، شخصی، کنترل‌شدنی و لذتبخش تبدیل شد که از زیر سلطه تابوهای محدود‌کننده یا جبرهای خطرناک زیستی رها شده بود (گیدنز، ۱۳۹۸: ۷۸-۸۵).

یکی از پراوازه‌ترین ایده‌های هابرماس "کنش ارتباطی" است که در آن کنشگران در جامعه با مباحثه استدلالی، توافق و همکاری به دنبال دستیابی به فهم مشترک و برهمکنش‌های تفاهمی هستند درحالی که در کنش استراتژیک کنشگران صرفاً به دنبال هدف‌های خود هستند. از نظر هابرماس، در نظریه کنش ارتباطی، تنها چیزی که می‌تواند بطور عقلانی شرکت کنندگان را به تلاش مستمر ترغیب کند تا نزاع‌های خود را بطور توافقی حل و فصل کنند، این است که آیا آنها می‌توانند مطمئن باشند که نیازها و منافعشان به رسمیت شناخته خواهد شد. هابرماس این ایده را قاعده گفتگو یا استدلال می‌خواند: تنها آن هنجارهای کنش و رفتار معتبر هستند که همه اشخاصی که ممکن است تحت تاثیر آن قرار گیرند، به عنوان شرکت کنندگان در گفتگوهای عقلانی بر آن توافق کنند (هابرماس، ۱۳۹۱: ۱۰۷). گفتگو برای هابرماس، نقشی فراتر از رسیدن به تفاهم ایفا می‌کند. گفتگو در اینجا وظیفه مشروعیت دادن به هنجارها و قوانین را بر عهده دارد. او می‌گوید: «من در تلاش برای به اثبات رساندن این نکته‌ام که می‌توان پرسش‌های عملی را به شکل گفتگویی بررسی کرد و این امکان برای تحلیل اجتماعی- علمی وجود دارد که به‌طور روشمند نسبت موجود میان نظام‌های هنجاری و حقیقت را مورد ملاحظه قرار دهد. این پرسش هم‌چنان به قوت خود باقی است که آیا در جوامع پیچیده هنوز هم تکوین انگیزه واقعا به هنجارهایی پیوند می‌خورد که مستلزم تصدیق‌اند یا اینکه نسبت نظام‌های هنجاری با حقیقت از میان برداشته شده است» (هابرماس، ۱۳۹۵: ۲۴۰). الیزابت بات معتقد بود که «تقسیم سنتی» نقش الزاماً در همه جا و در میان همه خانواده‌ها وجود ندارد. او روابط این گروه از خانواده‌ها را «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» می‌نامد و روابط گروه دیگری از خانواده‌ها را که شامل روابط و فعالیت‌هایی است که زن و شوهر با یکدیگر به صورت مشترک انجام می‌دهند «مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک» می‌نامد. «مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی» روابطی هستند که در آن زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و آن‌ها را جدا و میان خود تقسیم کرده و علایق و فعالیت‌های جداگانه دارند (بات، ۱۳۹۳: ۵۴). هلموت شلسکی از دیگر نظریه‌پردازان در حوزه خانواده است که دیدگاه خود را در انتقاد به نظریه تأخر فرهنگی مطرح می‌کند. بر این اساس نهاد خانواده از لحاظ میزان آگاهی، شکل ظاهری و نقش‌های افراد نسبت به پیشرفت‌های جامعه دارای تأخر فرهنگی است. شلسکی با تشکیک در پیشرفت جامعه بر اثر دگرگونی‌های نظام اقتصادی و سیاسی، ادعا می‌کند که اقتصاد مدرن به سوی فروپاشی پیش می‌رود و در صورت انطباق خانواده با شرایط جدید، لاجرم

سرنوشت خانواده نیز در جهت زوال و فروپاشی خواهد بود. شلسکی خانواده را تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی می‌داند و معتقد است شرایط مادی و اقتصادی باید خود را با ویژگی‌های خانواده انطباق دهند و حتی با وجود احتمال وجود ظلم و ستم در خانواده، بقا و دوام خانواده را به مثابه یک ضرورت مطرح می‌کند (ياسناگا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). جامعه‌شناسانی چون جی‌هی‌لی و مینو چین، ضمن تأکید بر ارتباطات «سیستم» خانواده را مبین رفتار و ارتباط اعضای آن معرفی می‌کنند. جی‌هی‌لی بر ساختار سلسله‌مراتبی خانواده تأکید می‌گذارد. الگوی سیستمی خانواده نشان می‌دهد که هر شخصی چگونه در زندگی نقشی را در مجموعه نظام بازی می‌کند. این نگرش، خانواده را به عنوان یک نظام می‌پذیرد و هر یک از اعضای آن را به عنوان نشانه‌ای از خانواده در نظر می‌گیرد. در این صورت، اگر فردی از خانواده دارای رفتار نابه‌هنجار باشد، این امر نشان‌گر ناموفق بودن نظام خانواده و عدم ارتباط و گفتگو به حساب می‌آید (مک‌کالوم^۲، ۲۰۱۰). به اعتقاد دوبووار سازوکارهای بنیادینی که «خود» یا فاعل برای مهار «دیگری» یا مفعول از آن‌ها بهره می‌جوید «نقش‌های اجتماعی» است. دیگر بودن زن در نهادهای ازدواج و مادری تحکیم می‌شود. ازدواج، تبادل آزادانه احساس را به وظایف به شدت تحکیم شده اجباری و حقوقی تبدیل می‌کند و خودجوشی رابطه زوج عاشق را از میان می‌برد. دوبووار همچنین نقش همسری را مانع رشد هویت زن می‌داند (تانگ، ۲۰۲۳: ۳۲۹-۳۳۲). آن اکل (۱۹۷۴) معتقد است زنان قلمروی خصوصی از آن خود دارند که در آن حکم می‌رانند و تصمیم‌گیری می‌کنند. به اعتقاد او در واقع به همان نسبت که مردان وقت بیشتری را در خانه می‌گذرانند و به بچه‌ها بیشتر توجه می‌کنند و فعالیت‌های مشترک بیشتری با همسران‌شان دارند، اقتدار زنان رنگ می‌بازد (آبوت و والاس، ۱۳۹۹: ۱۲۸). جسی برنارد به توصیف کاملی از محرومیت زنان پرداخته و تصویر نو و مبهوت‌کننده‌ای از نهاد زناشویی را ارائه می‌کند. به اعتقاد او زناشویی نوعی نظام فرهنگی متشکل از اعتقادات و آرمان‌ها، نوعی تنظیم نهادی نقش‌ها و هنجارها و مجموعه‌ای از تجارب مبتنی بر کنش متقابل برای هم‌زنان و هم‌مردان به شمار می‌آید. (ریتزر، ۱۳۹۵: ۴۷۵). بلاد و ولف در نظریه منابع معتقدند هر نوع تغییر در توازن قدرت به نفع یکی از زوجین (معمولاً شوهر) هنگامی روی می‌دهد که یکی از طرفین منابع بیشتری اعم از تحصیلات، اعتبار شغلی، موقعیت اجتماعی و مانند آن را در اختیار داشته یا کسب کرده باشد (آبوت و والاس، ۱۳۹۹).

1 Yasunaga
2 MacCallum

۱۲۸). بنابراین، با توجه به دیدگاه نظریه پردازانی که در این جا به آن اشاره شد، خانواده‌ها با موانع و چالش‌هایی مواجه هستند تا بتوانند در خانواده بیشتر گفتگو کنند یا گفتگوی با کیفیت داشته باشند. عوامل موثر بر این چالش‌ها را می‌توان در پنج دسته اصلی گنجانده: ۱. موانع شخصیتی؛ ۲. موانع خانوادگی؛ ۳. موانع اجتماعی؛ ۴. موانع فرهنگی؛ و ۵. موانع اقتصادی. در این تحقیق، براساس نظریه‌های کنش متقابل نمادین، نگرش سیستمی به خانواده و سرمایه اجتماعی خانواده و نیز به نحوه شکل‌گیری روابط میان والدین و فرزندان و نقش سیستم خانوادگی در آن پرداخته شد و سعی بر آن بود که در طراحی مصاحبه‌نامه اولیه و پرسشنامه‌های سوالاتی در این خصوص طراحی گردد. به طور کلی این نظریه‌ها نه به عنوان چارچوبی برای تبیین بلکه به منظور ایجاد وسعت دید و افزودن عمق دانش و اطلاعات درخصوص موضوع مورد بررسی و آشنایی با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در این حوزه مطرح گردیده تا فضای نظری گسترده‌تری را برای محقق فراهم آورد.

روش تحقیق

با توجه به رویکرد کمی، در این تحقیق، از پیمایش و بررسی مقطعی استفاده شده است. از نظر نوع تحقیق، این مطالعه در دسته تحقیقات کاربردی و از نوع پیمایشی و همچنین بر اساس نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها، توصیفی است. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۸ سال در مناطق ۱۵ و ۳ شهر تهران بود. جمعیت منطقه ۳ براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ ایران، ۳۳۰'۶۴۹ نفر (۱۱۹'۰۵۲ خانوار) شامل ۱۵۸'۴۰۱ مرد و ۱۷۲'۲۴۸ زن بوده است. محدوده‌ی تقریبی منطقه ۳ تهران به این صورت است که این منطقه از شمال به بزرگراه‌های شهید چمران، شهید آیت‌الله مدرس و آیت‌الله صدر محدود می‌شود؛ از جنوب به بزرگراه رسالت می‌رسد؛ از شرق در محدوده‌ی خیابان پاسداران و بخشی از خیابان دکتر علی شریعتی قرار دارد؛ و در نهایت از غرب باز هم به بزرگراه شهید چمران محدود می‌شود. منطقه ۱۵ شهرداری تهران یکی از مناطق شهری تهران است که در جنوب شرقی شهر تهران قرار دارد. مهم‌ترین بخش آن شهرک‌های مشیریه و افسریه و بروجردی و سیزده آبان و بزرگراه‌های بسیج و بعثت و امام علی و آزادگان و خاوران است. جمعیت این منطقه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ ایران، ۶۳۸'۷۴۰ نفر (۱۹۲'۶۱۰ خانوار) شامل ۳۲۵'۳۱۳ مرد و ۳۱۳'۴۲۷ زن بوده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. به طوری که مناطق ۳ و ۱۵ شهر تهران به ۳ قسمت شمال، جنوب و مرکز

تقسیم شد و سپس از هر قسمت به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یک ناحیه نمونه‌گیری شده است.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. با توجه به کم بودن تعداد نمونه‌های انتخاب شده به نسبت جمعیت هر خوشه، تعمیم نتایج به شهروندان ساکن در مناطق ۱۵ و ۳ تهران باید با رعایت احتیاط و ملاحظه انجام شود. پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۶۲ گویه و تعدادی سوال بوده است که به کمک مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت و سوالات نیمه بسته در سه بخش طراحی شد. بخش اول شامل گویه‌های مربوط به متغیر زمینه‌ای است. بخش دوم مربوط به متغیر وابسته یعنی سوالات مرتبط با متغیر مسئله‌مندی گفتگو در خانواده است. همچنین برای اطمینان از روایی محتوایی پرسشنامه، از حدود ۶ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان موضوعی (حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی) درخواست شد که پرسشنامه را بررسی کنند. فرم ارزیابی روایی محتوا برای آنان تهیه شد و پرسشنامه بر مبنای پیشنهادهای این افراد بازنگری شد. آزمون مقدماتی پرسشنامه بر روی ۲۵ نفر از اعضای مورد مطالعه انجام گردید.

برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی مرکب و آلفای کرونباخ پرداخته شد. روایی پرسشنامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. معیار AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد برازش نیز بیشتر است. نتایج در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و روایی همگرا سازه‌های مدل

متغیرهای پنهان (مکنون)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0/7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR>0/7)	(AVE)
شخصی	۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۸۰
خانوادگی	۰/۷۴	۰/۹۰	۰/۶۶
اجتماعی	۰/۷۴	۰/۸۶	۰/۶۵
فرهنگی	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۷۲
اقتصادی	۰/۸۶	۰/۷۰	۰/۶۹
گفتگو	۰/۹۱	۰/۷۹	۰/۶۷

در جدول ۱ همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی مرکب و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه برازش مناسب مدل تأیید می‌شود. AVE همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است و در نتیجه روایی همگرایی مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود. در نهایت پرسشنامه نهایی شده در بین جامعه نمونه در مناطق ۳ و ۱۵ شهر تهران توزیع شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS، LISREL مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از آزمون‌های مرتبط استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در پژوهش حاضر از این قرار اند:

در جمعیت نمونه ۴۹/۲ درصد (نفر ۱۸۹) زن، و ۵۰/۸ درصد (نفر ۱۹۵) مرد هستند. بنابراین تعداد مردها بیشتر است. ۳۸ درصد (نفر ۱۴۶) مجرد، ۵۲/۱ درصد (نفر ۲۰۰) متاهل، ۳/۶ درصد (نفر ۱۴) همسر فوت شده، ۶/۳ درصد (نفر ۲۴) مطلقه؛ بنابراین اکثریت پاسخگویان متاهل هستند. وضعیت تحصیلات پاسخگویان اینگونه است که ۷/۰ درصد (نفر ۲۷) تحصیلاتشان زیردیپلم، ۲۱/۴ درصد (نفر ۸۲) دیپلم، ۱۴/۱ درصد (نفر ۵۴) فوق دیپلم، ۳۸ درصد (نفر ۱۴۶) لیسانس و ۱۴/۶ درصد (نفر ۵۶) فوق لیسانس و ۴/۹ درصد (نفر ۱۹) هم تحصیلات دکتری دارند. بنابراین بیشتر پاسخگویان لیسانس هستند. از نظر وضعیت فعالیت ۲۹/۹ درصد (نفر ۱۱۵) وضعیت فعالیت خود را شاغل، ۳۷/۵ درصد (نفر ۱۴۴) خانه دار، ۲۲/۱ درصد (نفر ۸۵) بازنشسته و ۱۰/۴ درصد (نفر ۴۰) هم سایر موارد اعلام کردند. بنابراین بیشتر پاسخگویان خانه دار هستند.

بررسی وضعیت گفتگو در خانواده: از نظر متغیر رعایت اصول گفتگو وضعیت اینگونه است که در این خانواده‌ها ۱۳/۸ درصد (نفر ۵۳) رعایت حرمت دیگران، ۲۹/۲ درصد (نفر ۱۱۲) جویایی و کنجاوی، ۴/۴ درصد (نفر ۱۷) گرایش به یادگیری، ۱۷/۴ درصد (نفر ۶۷) داشتن ذهن باز و آمادگی پذیرش، ۱۲/۸ درصد (نفر ۴۹) به تعلیق درآوردن فرضیه و پیش داوری نکردن و ۱۲/۲ درصد (نفر ۴۷) پرهیز از شتاب در صحبت با اعضای خانواده، ۵/۷ درصد (نفر ۲۲) گوش دادن و شفاف صحبت کردن و ۴/۴ درصد (نفر ۱۷) از دل سخن گفتن را رعایت می‌کنند. بنابراین بیشتر پاسخگویان جویایی و کنجاوی را رعایت می‌کنند.

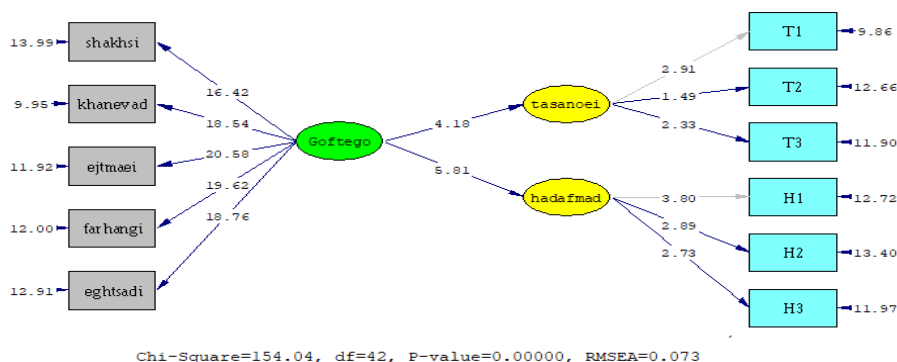
خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها و توضیح پیرامون نتایج هر فرضیه در جدول شماره ۲ بازگو شده است:

جدول ۲: خلاصه آزمون فرضیه‌ها

فرضیه	نوع آزمون	ضریب همبستگی	Sig	نتیجه آزمون
رابطه بین موانع فرهنگی و گفتگو در خانواده	پیرسون	۰/۲۲۳**	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
رابطه بین موانع خانوادگی و گفتگو در خانواده	پیرسون	۰/۳۲۱**	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
رابطه بین موانع اقتصادی و گفتگو در خانواده	پیرسون	۰/۳۶۶**	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
رابطه بین موانع شخصیتی و گفتگو در خانواده	پیرسون	۰/۲۸۴**	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
رابطه بین موانع اجتماعی و گفتگو در خانواده	پیرسون	۰/۱۸۱**	۰/۰۰۰	تایید فرضیه

مدل معادلات ساختاری

با استفاده از مدل‌های اندازه‌گیری معادلات ساختاری لیزرل ۸،۸۰، صحت سنجش سازه‌ها توسط شاخص‌های مربوط مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های گفتگو در خانواده با ۵۰ سوال به عنوان متغیرهای مستقل (X)، و گفتگو در خانواده با ۱۲ سوال به عنوان متغیر وابسته (Y) با دو نوع «گفتگوی تصنعی» و «گفتگوی هدفمند» است. X1 «عوامل شخصیتی» شامل ۱۲ سوال؛ X2 «عوامل خانوادگی» شامل ۷ سوال؛ X3 «عوامل اجتماعی» شامل ۹ سوال؛ X4 «عوامل فرهنگی» شامل ۱۰ سوال؛ و «عوامل اقتصادی» X5 شامل ۱۲ سوال، به عنوان متغیر مستقل اندازه‌گیری شده که با الگوی حقیقی داده‌ها متفاوت نیست.



شکل ۱ مدل تحلیل مسیر عوامل مسئله‌مندی موثر بر گفتگو در خانواده در حالت اعداد معنادار

در مدل پژوهش، مقدار کای دو با درجه آزادی ۱/۸۳ و کوچکتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریبی (RMSEA)، برابر ۰/۰۷۳ و کوچکتر از ۰/۰۸ است. همچنین

شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی هنجار یافته (NFI)، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NNFI) همگی از ۰/۰۹ بیشتر هستند. پس مدل، برازش عالی را نشان داده و مورد تأیید است

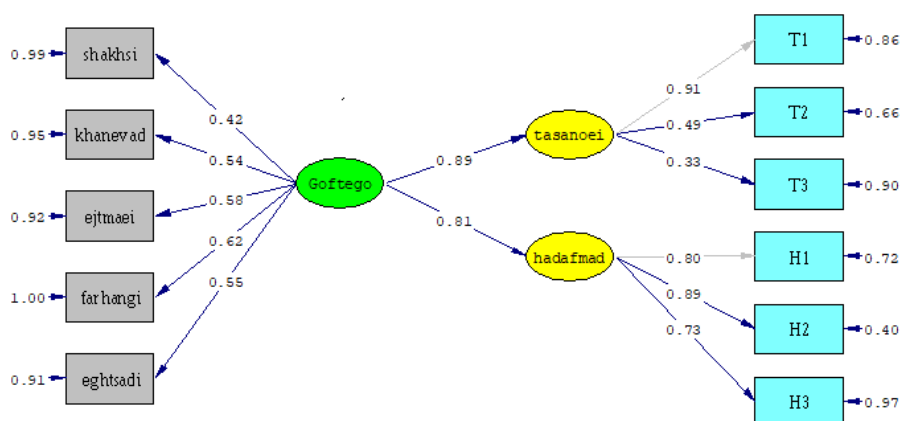
جدول ۳: بررسی شاخص‌های برازش تحلیل مدل ساختاری پژوهش

شاخص یا نشانگر	مقدار شاخص	مقدار توصیه شده	برازش
RMSEA	۰/۰۷۳	$\leq ۰,۰۸$	عالی
نسبت کای اسکور به درجه آزادی (X2/df)	۱/۸۳	≤ ۳	عالی
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۶	$\geq ۰,۹$	عالی
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۸	$\geq ۰,۹$	مطلوب
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۲	$\geq ۰,۹$	عالی
شاخص برازندگی هنجار یافته (NFI)	۰/۹۷	$\geq ۰,۹$	عالی
شاخص برازندگی هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۱	$\geq ۰,۹$	عالی

در مدل اعداد معناداری تحلیل با توجه به اینکه میزان عدد به دست آمده برای مولفه‌های مسئله مندی به عنوان متغیرهای مستقل با گفتگو در خانواده به عنوان متغیر وابسته، بزرگ تر از ۱/۹۶ است، می‌توان نتیجه گرفت که این رابطه‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار هستند و به سخن دیگر متغیرهای مذکور بر گفتگو در خانواده، اثرگذار می‌باشند. از سوی دیگر با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری محاسبه شده برای رابطه بین متغیرهای مسئله مندی در گفتگو در خانواده برابر ۱۰/۲۸ است که نشان دهنده تأثیر مستقیم و مثبت متغیرهای شاخص‌های تاثیرگذار بر گفتگو در خانواده است لذا فرضیه اصلی این پژوهش، مبنی بر مسئله مندی گفتگو در خانواده تأیید می‌گردد.

از آنجا که «شاخص برازش نیکویی» این مدل برابر با ۰/۹۳ است می‌توان گفت که این مدل برازش قابل قبولی با واقعیت دارد. میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مستقیم شاخص‌های مسئله مندی بر گفتگو در خانواده است. مدل، ارتباط متغیر شاخص‌های مسئله مندی بر گفتگو در خانواده را در حالت استاندارد نشان می‌دهد. در حالت برآورد استاندارد، امکان مقایسه بین متغیرهای مشاهده شده تبیین کننده متغیرهای پنهان وجود دارد. در مدل تخمین استاندارد تحلیل مسیر، میزان ضرایب مسیر بین سنجها تعیین می‌شود. این به معنای میزان تغییر متغیر

وابسته به ازای یک واحد تغییر متغیر مستقل است. همچنین میزان رابطه هر یک از شاخص‌های مسئله‌مندی و گفتگو در خانواده به ترتیب عبارت‌اند از: عوامل شخصی (۰/۴۲)، عوامل خانوادگی (۰/۵۴)، عوامل اجتماعی (۰/۵۸)، عوامل فرهنگی (۰/۶۲) و عوامل اقتصادی (۰/۵۵). شکل ۲ بازگوی رابطه شاخص‌های مسئله‌مندی با بتای استاندارد (۰/۸۹) بر گفتگوی تصنعی و (۰/۸۱) بر گفتگوی هدفمند است.



Chi-Square=154.04, df=42, P-value=0.00000, RMSEA=0.073

شکل ۲- مدل تحلیل مسیر عوامل مسئله‌مندی موثر بر گفتگو در خانواده در حالت تخمین استاندارد

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی پاسخگویان از بازدارنده‌های گفتگو در خانواده با موانع شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه بود. کم بودن و کیفیت پایین گفتگو در خانواده، باعث گرایش به ارتباط با افراد غیرعضو و غریبه، به خصوص در فضای مجازی، می‌شود. کاهش و کمرنگ شدن فرصت گفتگو در خانواده‌ها رابطه‌ی معناداری با بزهکاری، ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی دارد. افرادی که کمتر گفتگو می‌کنند در زمان مشکلات با تنها دیدن خود دچار استیصال و سردرگمی می‌شوند و بجای حل مساله به خشونت، قهر، تخریب، تضعیف و دیگر روش‌های انفعالی روی می‌آورند. همین آسیب، زمینه‌ساز طلاق‌های عاطفی می‌شود به این معنا که خانواده‌ها گفت و گو نمی‌کنند و ارتباط کلامی و عاطفی بین آنها کمرنگ می‌شود. در مقابل توجه و اهمیت دادن به

احساسات طرف مقابل و ایجاد شوق و امید به برقراری ارتباط در بین اعضای خانواده را می‌توان نام برد. مهارت گفتگو یکی از راه‌های مناسب برای حل تعارض میان افراد است که فاصله‌ها و شکاف‌های فکری بین اعضای خانواده را جبران می‌کند.

فرضیه رابطه بین موانع فرهنگی و گفتگو در خانواده تایید شد. برخی جامعه‌شناسان برجسته نظیر الیزابت بات و هلموت شلسکی درجه‌ی تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌دانند. در این نظریه اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند به تنهایی تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. باتوجه به نظر الیزابت بات می‌توان گفت که عدم توجه به عوامل فرهنگی و افراد خارج از محدوده خانواده تاثیر گذار در خانواده می‌توان شاهد زوال ارتباطات خانواده از جمله گفتگوی صمیمی در خانواده بود. الیزابت بات از زمره نظریه‌پردازانی در حوزه خانواده است که به تقسیم نقش زن و شوهر در روابط زناشویی و زندگی خانوادگی در قالب نظریه «شبکه خانواده» توجه می‌کند. لازم به یادآوری است که نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات ژانگ و همکاران (۲۰۲۴)، بال و همکاران (۲۰۲۱)، موتاتینیو (۲۰۱۵) همراستا است.

فرضیه رابطه بین موانع اقتصادی و گفتگو در خانواده تایید شد. هنگامی که دو طرف دارای اختلاف نظر و تعارض در مورد پول، کارهای منزل، تربیت فرزند، رابطه با خانواده همسر و غیره هستند، نتیجه مبین مساله مندی است. این‌ها تعارضاتی هستند که در آن‌ها میزان زیادی تشدید و بی‌اعتبارسازی وجود دارد (مارکمن و همکاران، ۲۰۱۰). به اعتقاد پارسونز شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای گروه کوچک خانواده است. اولین شرط وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان؛ و دومین شرط وجود اختلاف در میان نقش‌های ابزاری یا مردانه و نقش‌های بیانگر یا زنانه است. در چنین حالتی، تنها بر اساس این تقسیم نقش جنسی، امکان بقا و همبستگی خانواده وجود دارد؛ چرا که تشخیص و رعایت حدود وظایف هر یک از والدین مانع اغتشاش نقش‌ها و ایجاد یک وضعیت رقابتی در خانواده می‌شود که مثلاً می‌تواند ناشی از دخالت زن در فعالیت‌های شغلی بوده و در نهایت به از هم پاشیدگی خانواده منجر گردد (اعزازی، ۱۳۹۶: ۷۱). نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات ساعی (۱۴۰۱)، یوچن و همکاران (۲۰۲۴)، همراستا است.

فرضیه رابطه بین موانع شخصیتی و گفتگو در خانواده تایید شد. برخی جامعه‌شناسان برجسته نظیر هارماس و رنه کونینگ نقش عوامل فردی در گفتگو را پایه و اساس ارتباطات انسانی

می‌دانند. هابرماس گفتگوی صمیمانه را به عنوان عاملی مهم در بروز روابط انسانی می‌داند و معتقد است عدم توجه به عوامل فردی تاثیرگذار در خانواده می‌تواند موجب زوال ارتباطات خانواده از جمله گفتگوی صمیمی در خانواده شود. هابرماس در نظریه خود اذعان به صداقت و صمیمیت و درستی گفتگو دارد. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات زارع(۱۴۰۳)، شهسواریان و همکاران(۱۴۰۲) همراستا است.

فرضیه رابطه بین موانع اجتماعی و گفتگو در خانواده تایید شد. با توجه به نظر سیمون دوبوار، ان اکالی، جسی برنارد، تافلر، بلاد و ولف که بر نقش زنان در روابط خانوادگی تاکید بیشتری دارند، می‌توان گفت که عدم توجه به عوامل اجتماعی مانند اشتغال زن و جایگاه و نقش زن در خانواده و در اجتماع شاهد زوال ارتباطات خانوادگی خواهیم بود. به عقیده هابرماس، وقتی شرایط گفت‌وگو آماده باشد و بعد از انجام گفت‌وگو بین شرکت‌کنندگان در ایجاد هنجار یا قانون اجماعی، تفاهمی کلی به وجود می‌آید، چنین هنجار یا قانونی از مشروعیت بالایی برخوردار بوده و با بحران روبرو نخواهد شد. امروزه یکی از بلاهایی که به خانواده‌ها در برقراری ارتباط بهینه آسیب رسانی کرده، وجود تکنولوژی‌ها در زندگی است. گو آنکه نمی‌توان منکر فواید خوب تلویزیون، تلفن، گوشی همراه و اینترنت و شبکه‌های مجازی شد ولی امروزه بسیاری از اندیشمندان بر این باور هستند که این تکنولوژی‌ها انسان را اسیر خود کرده و آسیب‌هایی زیادی را بر زندگی انسان وارد کرده است. در طول روز اعضای خانواده هر کدام در پی انجام نقش‌ها و مسئولیت‌هایی هستند که بر روی دوش شان است. لازم به اشاره است که نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات زارع(۱۴۰۳)، شهسواریان و همکاران(۱۴۰۲)، ساعی(۱۴۰۱)، محمدی(۱۳۹۹)، ژانگ و همکاران(۲۰۲۴)، تانگ و همکاران(۲۰۲۳)، همراستا است.

فرضیه رابطه بین موانع خانوادگی و گفتگو در خانواده تایید شد. در تبیین نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان بیان کرد که سابقه و پیشینه‌ی خانوادگی زوجین و تأثیرات رفتاری خانواده‌ها، اهمیت مشاهده و سرمشقگیری از رفتارها، نگرش‌ها و عکس‌العمل‌های عاطفی را نشان می‌دهد. فرزندان و سایر اعضای خانواده را طرف مشورت قرار دادن و از آنها در موضوعات مهم نظر و راهکار خواستن توجه و اهمیت دادن به احساسات طرف مقابل و ایجاد شوق و امید به برقراری ارتباط در اعضای خانواده، از وظایف هر یک از اعضای خانواده است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات حسینی مجرد(۱۳۹۷)، عبدالمهی(۱۳۹۷)، هادی(۱۳۹۵)، تینگ و همکاران(۲۰۲۴)، یوچن و همکاران(۲۰۲۴)، و نیز تانگ و همکاران(۲۰۲۳)، همراستا است.

نتایج این تحقیق حاکی از این است که موانع و مسائلی که خانواده‌ها با آنها درگیر هستند را می‌توان در چند دسته قرار داد. همچنین میزان رابطه هر یک از شاخص‌های مسئله مندی و گفتگو در خانواده به ترتیب عبارت‌اند از: عوامل شخصی (۰/۴۲)، عوامل خانوادگی (۰/۵۴)، عوامل اجتماعی (۰/۵۸)، عوامل فرهنگی (۰/۶۲) و عوامل اقتصادی (۰/۵۵).

وقتی فرصت گفتگو در خانواده به شکل چشم‌گیری کاهش یابد، هر روزه فاصله بین اعضای خانواده بیشتر خواهد شد و به مرور وضعیتی پیش خواهد آمد که اعضای خانواده احساس می‌کنند حرف یکدیگر را نمی‌فهمند؛ چون تعامل مناسبی بین آن‌ها وجود ندارد (آدامکوا و دنکوا^۱، ۲۰۱۴). از طرفی دیگر وقتی درصد زیادی از مردم در جامعه گرفتار تامین معیشت خود و مسائل مالی هستند و مدام با نگرانی‌ها و استرس‌های ناشی از آن مجبورند دسته و پنجه نرم کنند، حوصله و فرصت تعامل و گفتگو بین اعضای خانواده به حداقل خواهد رسید و به همان میزان ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در خانواده و به دنبال آن در جامعه افزایش خواهد یافت. بعد از انقلاب صنعتی، بحث اوقات فراغت در کشورهای صنعتی مطرح شد، تا خانواده‌ها بعد از زمان کار، فرصت تفریح، گردش، تعامل و گفتگو و پرداختن به امور زندگی شخصی خود با دیگر اعضای خانواده را داشته باشند. در واقع برخی پژوهشگران معتقدند کاهش اجباری زمان کار برای پرداختن افراد به زندگی شخصی موضوع مهمی است، بدین معنی که بعد از انجام کار طاقت فرسا و خستگی، همه فرصت داشته باشند تا در کنار خانواده به امور مرتبط با یک زندگی بهتر بپردازند. بدون تردید در کشورهایی که تورم و رکود وجود دارد خانواده‌ها بیشتر وقت خود را صرف کار بیشتر برای تامین معیشت می‌کنند و طبیعی است که فرصت گفتگو در خانواده‌ها کم شود. اما دولت‌ها موظفند و باید تمهیداتی بیاندیشند و به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند تا درصد بالایی از مردم بالای خط فقر قرار گیرند و چنان نباشد که بزرگ‌ترین دغدغه خانواده‌ها تامین معیشت‌شان باشد و با چند شیفت کاری هم زندگی آنان تامین نشود. از اینرو دولت مردان باید کاری کنند تا مردم را چنگال تورم نجات دهند و شرایطی را فراهم کنند که دغدغه تامین معیشت بیش از حد مردم را آزار ندهد، و به این ترتیب زمان گفتگوهای سازنده بین اعضای خانواده ارتقا یابد. در واقع وقتی گفتگو بین اعضای خانواده کم می‌شود، زندگی آن‌ها شکل نباتی به خود می‌گیرد و فرصت حل اختلافات و کاستن از پتانسیل منفی احتمالی را پیدا نخواهند کرد؛ یعنی اگر اعضای خانواده بلد نباشند به‌وسیله گفتگو با یکدیگر کینه و کدورت‌های ناشی از

1 Adamkova and Dankova

اختلافات را کم کنند، چنین خانواده‌ای به مرور دچار افسردگی می‌شود و این خطر وجود دارد که چون فرصت گفتگو در خانواده وجود ندارد، گرایش به ارتباط با افراد غیرعضو و غریبه، به خصوص در فضای مجازی را پیدا کنند. به نظر می‌رسد که کاهش و کم‌رنگ شدن فرصت گفتگو در خانواده‌ها رابطه‌ی معناداری با بزهکاری، ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی دارد. در خانواده سالم تمام ارتباطات و برهمکنش‌ها برای استفاده حداکثری از استعدادها و توانایی‌ها است. به بیانی روشن‌تر خانواده‌ای را می‌توان خوشبخت محسوب نمود، که در آن‌جا فرصت‌های مناسب و کافی برای گفتگو موجود باشد، و همه‌ی اعضای خانواده با استفاده از فرصت‌هایی که برای‌شان در کنار یکدیگر به وجود می‌آید و نیز به‌کارگیری ظرفیت‌هایی بالقوه‌ای که دارند، روابط خود را تعمیق بخشیده و نزدیک تر کنند. اعضای خانواده خصوصاً والدین باید بکوشند و از کودکی فرد را با محیط گرم گفتگوی خانوادگی مأنوس کنند و همچنین دستگاه‌های دولتی و اجرایی که کنترل مراکز آموزشی را بر عهده دارند باید با برنامه‌ای منسجم و آگاهانه این مسئله را از مدارس تا مراکز اشتغال و مکان‌های اجتماعی وسیع‌تر پیگیری کنند. بدیهی است با همراهی خانه و خانواده در بستر دانایی و آگاهی به دست آمده توسط مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، اعضای این نهاد حیات بخش جامعه در سلامت روح و جسم از لذت در کنار هم بودن بهره مند خواهند شد. فهم اهمیت و لذت در کنار هم بودن و گفتگوی خانوادگی نیاز به آموزش دارد. آموزشی که پیچیده و پر هزینه نیست زیرا بنیان‌های فطری و فکری این آموزش در نهاد خانواده‌ها وجود دارد. در عین حال لازم است در زندگی اجتماعی، اولویت‌ها در ذهن افراد دسته‌بندی شوند. بدیهی است که فهم چگونگی اولویت‌بندی نیز احتیاج به آموزش دارد و این مهم بر عهده اداره کنندگان جامعه است که نهاد خانواده را از تهدیدها دور کرده یا زمینه واکسینه شدن آن‌ها در برابر این تهدیدها را فراهم کنند.

منابع

اعزازی، شهلا (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی خانواده، با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

بات، الیزابت (۱۳۹۳)؛ نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی؛ ترجمه حسن پویان؛ تهران: چاپخش برناردز، جان (۱۳۸۴)؛ درآمدی به مطالعات خانواده؛ ترجمه حسین قاضیان؛ تهران: نشر نی
حسینی مجرد علی اکبر (۱۳۹۷)، تبیین فلسفی گفتگو در جامعه (با محوریت خانواده) به منظور تحقق سبک زندگی اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
رنجبر جورجاده محمد (۱۴۰۰) بررسی رابطه میان گفتگو و سلامت با تاکید بر اتخاذ استراتژی‌های سیاستگذاری، رساله دکتری تخصصی دانشگاه خوارزمی

ریتزر جورج (۱۳۹۵)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، صص ۷۹۶-۷۹۷.

زارع راحله (۱۴۰۳) بررسی رابطه میان مهارت‌های گفتگو و سبک‌های ارتباطی در خانواده با بهبود تربیت فرزندان، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره: ۷، شماره: ۹۰
ساعی منصور (۱۴۰۱)، تحلیل موانع و بازدارنده‌های گفتگوی بین نسلی در خانواده، فصلنامه جامعه، فرهنگ، رسانه، پیاپی ۴۳ (تابستان ۱۴۰۱)

شهسواریان، مهرداد و مزیدی شرف‌آبادی، علی محمد (۱۴۰۲)، ابداع الگوی ارتباطی با خلق گفتگوهای ابتکاری والدین در خانواده، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی «بهار ۱۴۰۲، دوره دوازدهم - شماره ۴، صفحه - از ۱۲۳ تا ۱۵۰)

عبداللهی سناء (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه مهارت گفتگو در خانواده و نظارت والدین با رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر بندرعباس»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان، گروه علوم تربیتی، کارشناسی ارشد.

قاضی مردای، حسن (۱۴۰۱)، شوق گفت و گو، گسترده‌نگی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان، تهران: اختران

محمدی زهرا (۱۳۹۹)، گفتگو و مشارکت خانواده در تعالی آموزش و پرورش و کاهش آسیب‌های اجتماعی، ششمین همایش بین‌المللی مطالعات اجتماعی و تربیتی در جهان اسلام.

هابرماس یورگن (۱۳۹۱)، استیون وایت، نوشته‌های اخیر: خرد، عدالت و نوگرایی، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران، قطره، پیشگفتار مترجم، ص ۱۴.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۵). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر موسسه روزنامه ایران

هاتفی راد لیدا (۱۳۹۸)، تبیین جامعه‌شناختی بسترهای گفتگو در خانواده (مورد مطالعه: شهر یزد)، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی هادی حمیده (۱۳۹۵)، فرهنگ گفتگو در خانواده از منظر آیات و روایات با تأکید بر نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۹۵.

- Adamkova, T and Dankova, V (2014). Communication as an intergenerational Barrier. presented in 4th International Interdisciplinary Scientific Conference Society, Health, Welfare. Available At: <https://doi.org/10.1051/shsconf/20141000002>.
- Ball Barbara, Lalaine Sevillano, Monica Faulkner, Tymothy Belseth (2021), Agency, genuine support, and emotional connection: Experiences that promote relational permanency in foster care, Children and Youth Services Review, Volume 121, February 2021, 105852
- Ferreira, Carolina Kustel; Massi, Giselle Aparecida Athayde; Guarinello Correio, Ana cristina and Mendes, Juliana (2015). Intergenerational dialogue meetings: points of view from youths and the elderly. available at: <https://revistas.pucsp.br/dic/article/view/20409/16982>
- MacCallum, Judith; Palmer, David; Wright, Peter; Cumming-Potvin, Wendy; Brooker, Miriam and Tero, Cameron (2010) Australian Perspectives: Community Building Through Intergenerational Exchange Programs, Journal of Intergenerational Relationships, 8:2, 113-127, DOI: 10.1080/15350771003741899
- Motaitianu Irina Radu (2015), Parent-child Connection; a Possible Model to Combat the Child's Unsafe Attachment, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 180, 5 May 2015, Pages 1178-1183
- Raycheva, L., Velinova, N (2019), Reappraising the intellectual debate on ageing in a digital environment. LNCS, vol. 11592, pp. 300-312.
- Tang Yu, Shaomei Li, Lin Ma, Yuxin Zheng, Yan Li (2023), The effects of mother-father relationships on children's social-emotional competence: The chain mediating model of parental emotional expression and parent-child attachment, Children and Youth Services Review, Volume 155, December 2023, 107227
- Ting Liu, Ping Zhou, Zhihong Zuo, Meng Fan, Yaoyuan Yang (2024), Mediating effects of parent-child dysfunctional interactions in the relationship between parenting distress and social-emotional problems and competencies
- Wood, Julia T. (2016) Interpersonal Communication: Everyday Encounters. Eighth Edition. Boston: Cengage Learning.
- Yasunaga M, Murayama Y, Takahashi T, Ohba H, Suzuki H, Nonaka K, (2016). Multiple impacts of an intergenerational program in Japan: Evidence from the Research on Productivity through Intergenerational Sympathy Project. review article, Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/ggi.12770>
- Yuchen Liu, Huiqi Wang, Shuang Bi, Xingying Li, Xueling Yang, You Wang (2024), The role of maternal emotional expressivity in maternal marital satisfaction: Moderated by family socioeconomic status, Children and Youth Services Review, Volume 160, May 2024, 107567
- Zhang Miao, Huanhuan Li, Fei Li, Yongai Zhang (2024), Facilitators and barriers to parent-child communication, International Journal of Nursing Sciences, Volume 11, Issue 4, , September 2024, Pages 495-503.